

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם אבינו

۶ שבא ۵۷۸۰

جهت مفضا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

בג

גفتاری روشنگر

حال این سؤال پیش می‌آید چرا واقعاً لازم بود نوزادان نیز در عبادت خد-اوند سهیم باشند؟

هم چنان که می‌دانیم ، هر نوجوانی در سن سیزده سالگی موظف به انجام میصواهای توراہ می‌شود. ولی این طور نیست که یک روزه تمام ۶۱۳ میصواهای توراہ در مقابل او نهاده شوند و به او بگوییم از امروز به بعد باید تمام این میصواها را با تمام جزئیات انجام دهی. بلکه از سن شش هفت سالگی ، پدر موظف می‌باشد کودک خود را در راه میصواهای توراہ تربیت نماید و به این صورت ، در سن سیزده سالگی ، این نوجوان خوب آموخته که میصواهای توراہ را چطور باید انجام داد.

حال مشه ربنو نیز به فرعون فرمود: "درست است که ما گاو و گوسفند را برای قربانی می‌بریم ، ولی نوزادان نیز باید همراه ما بیایند تا آنها را در راه عبادت خد-اوند تربیت کنیم و آنها از ما یاد بگیرند چطور باید خد-اوند را عبادت نمود."

تمام دوستی و محبت خد-اوند نسبت به اوراهام آوینو نیز همین مورد بود که اوراهام به فرزندان و دوره‌های پس از خود یاد می‌داد چطور خد-اوند را عبادت نمایند ، چون به این ترتیب ، وقتی فرزندان بزرگ می‌شوند ، سردرگم نیستند که چطور باید خد-اوند را عبادت نمود ، بلکه در طول زندگی خود طرز عبادت خد-اوند را آموخته‌اند.

در مورد جوانی تعریف شده به شرق دور رفت تا حقیقت را دریابد. او با بتها و عبادتهای مختلفی روبرو شد تا این که پس از چند مدت ، به نزد معلمی رسید که از همه بیشتر نظر او را جلب کرد. این جوان تصمیم گرفت چند وقتی را پیش این معلم بماند. پس از چند روز ، این جوان یک روز صبح زود از خواب بیدار شد و متوجه گشت این معلم برای بت خود قربانی می‌آورد. این جوان پرسید: "تقدیم قربانی به این بت چه فایده‌ای دارد؟" آن معلم گفت: "نمی‌دانم."

در این پاراشا می‌خوانیم فرعون ، مشه ربنو را صدا زده و به او می‌گوید: "بروید و خد-اوند را عبادت کنید ، فقط گوسفند و گاو خود را بگذارید ، حتی نوزادان را نیز با خود ببرید."

مشه ربنو در پاسخ فرمود: "تو نیز به ما قربانی بده تا به خد-اوند خود تقدیم کنیم. دام ما نیز همراه ما خواهد آمد ، حتی یک نعل هم باقی نخواهد ماند ، چون برای عبادت خد-اوند ، از (مال) خودمان برمی‌داریم."

در کتاب بئر یوسف آمده است: به چه دلیل فرعون می‌خواست گاو و گوسفند قوم ییسرائل در مصر بماند؟ اگر دقت شود ، هیچ دلیل و منطقی برای این صحبت فرعون نیست. از همان ابتدا ، مشه و اهرون درخواست نمودند که فرعون ، قوم ییسرائل را برای عبادت خد-اوند رها نماید و فرعون ابتدا کار آنها را سخت کرد و بعداً هم مانع خروج قوم ییسرائل شد. حال که فرعون این همه اصرار کرد که قوم ییسرائل را نگه دارد ، چرا اکنون اجازه می‌دهد قوم خارج شوند و فقط گاو و گوسفند آنها در مصر بماند؟

در پاسخ باید گفت: قبل از ضربت ملخ ، فرعون از مشه ربنو پرسید: "چه کسانی برای عبادت خد-اوند می‌روند؟" و مشه ربنو در پاسخ فرمود: "هم جوانان ما و هم پیران ما ، هم پسران ما و هم دختران ما."

فرعون در جواب گفت: "خیر ، فقط مردان بروند ، چون کار عبادت مخصوص مردان هست."

حال فرعون فکر کرد قوم ییسرائل می‌خواهد نوزادان خود را برای خد-اوند قربانی کند ، به همین سبب به مشه ربنو گفت:

"اگر نوزادان را با خود می‌برید که قربانی کنید ، پس گاو و گوسفند خود را در مصر بگذارید."

و به همین جهت مشه ربنو به فرعون فرمود: "ما گاو و گوسفند را برای خد-اوند قربانی می‌کنیم."

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رأی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

آن جوان گفت: "بزرگترین درس خود را آموختم، پس من نیز به کشور خودم برمی‌گردم و همان کاری را انجام می‌دهم که پدرم و پدر بزرگم انجام می‌دادند."

حال باید دانست انجام میصواها فقط تقلید از دوره قبلی نیست، بلکه هر میصوایی از طرف خد-اوند به ما امر شده و پدران ما مستقیم این فرمان را از جانب خد-اوند و یا مشه ربنو شنیده‌اند. در این صورت، انجام میصواها فقط تقلید نیست، بلکه عبادت واقعی خد-اوند است.

آن جوان گفت: "پس اگر نمی‌دانی چرا این کار را انجام می‌دهی؟ شاید این کار بی‌فایده باشد."

معلم در جواب گفت: "من این کار را انجام می‌دهم چون پدرم نیز همین کار را انجام می‌داد، او نیز فایده این کار را نمی‌دانست، ولی چون پدرش این کار را انجام می‌داد، او نیز این کار را انجام می‌دهد."

ایمان به خد-اوند

موفق می‌کند و اگر این میصواها را انجام ندهد، مجازات این مورد او را از بین خواهد برد و همه چیز بر طبق حکم الهی می‌باشد." از سخنان هارامبان معلوم است علت این که در میصواهای بسیاری باید به داشته باشیم که خد-اوند ما را از مصر خارج نمود، این فقط برای بهتر انجام دادن میصوا نیست، بلکه مربوط به اساس میصوا می‌شود. زیرا امروزه نیز افرادی هستند که دهان خود را باز می‌کنند و می‌گویند: "اگر خد-اوند معجزه کند، من تغییر می‌کنم، تورا می‌خوانم و میصواهای تورا را انجام می‌دهم." و امثال اینها. ولی چنین موردی اتفاق نخواهد افتاد، چون خد-اوند در برابر چشمان همه، خد-ایی خود را با معجزات مصر ثابت نمود تا همه دنیا به او ایمان آورند و فرامین او را انجام دهند.

مشکل از همین جا شروع می‌شود که مردم میصوایی که به یادبود خروج از مصر هستند را انجام نمی‌دهند و یا این که این میصواها را انجام می‌دهند ولی نیت نمی‌بندند که این میصوا به یادبود خروج از مصر است. در نتیجه ایمان این افراد ضعیف می‌شود و برای آنها سخت است بپذیرند که همه چیز با حکم الهی اتفاق افتاده است. ولی اگر از همان اول این میصواها را با این نیت انجام دهیم که این میصوا خروج از مصر را به یاد ما می‌آورد، پس بعد از انجام هر میصوا، ایمان ما قوی‌تر می‌شود و همانطور که هارامبان نوشته است: "به وسیله معجزات بزرگ، به معجزات پنهان پی می‌بریم."

به طور کلی انسان باید خود را عادت دهد و بداند هر موردی که در طول ساعات شبانه روز بر او می‌گذرد، اتفاقی و طبیعی نیست، بلکه این اتفاقات بر طبق نظارت و فرمان خد-اوند برای او اتفاق افتاده است. انسان باید این تفکر را برای خود بوجود آورد که هر اتفاقی در زندگی او، چه کوچک و چه بزرگ، بر طبق خواست خد-اوند برای او اتفاق افتاده و اگر فرد چنین تفکری داشته باشد، خیلی راحت‌تر می‌تواند سختیها و آزمایشات زندگی را پشت سر گذارد.

برای مثال، اگر در زمان استراحت مزاحمتی برای فرد ایجاد می‌شود و وی اطرافیان را مقصر می‌داند، این نشان می‌دهد ایمان او هنوز ضعیف است. بلکه در چنین وضعیتی باید ایمان داشت این نیز به

در پاراشا می‌خوانیم فرعون و مصریان آخرین ضربات خد-اوند را دریافت می‌کنند و قوم ییسرائل از مصر خارج می‌شوند. در این ضربات، تورا از سه نوع توضیح استفاده می‌کند. ابتدا تورا می‌فرماید:

"تا بدانی که من خد-ای روی زمین هستم."

به این منظور که خد-اوند بر زمین نظارت دارد و زمین را به دست سرنوشت رها نکرده است.

توضیح دوم از این قرار است: "تا بدانی زمین از آن خد-اوند است." به این منظور که خد-اوند زمین را از هیچ آفریده و این دنیا تازه است و از قبل وجود نداشته است.

و توضیح سوم: "تا بدانی به مانند من روی زمین نیست."

به این منظور که خد-اوند بر همه چیز تسلط دارد و هیچ چیز نمی‌تواند جلوی خواست خد-اوند را بگیرد.

در واقع، مصریان این سه مورد را انکار می‌کردند یا به این سه مورد شک داشتند. به همین سبب خد-اوند این معجزات بزرگ را در مصر انجام داد تا خالق بودن خود و واقعیت تورا را ثابت کند.

هارامبان در انتهای پاراشا می‌نویسد: "خد-اوند در هر دوره‌ای برای افراد ظالم و کافر معجزه نمی‌کند، به همین جهت به ما دستور می‌دهد برای هر آنچه که با چشمان خود دیدیم، نشانه و یاد بود انجام دهیم."

به همین جهت موظف هستیم در هر دوره معجزات خد-اوند را برای فرزندان خود تعریف کنیم تا همه به خد-اوند و تورا او ایمان داشته باشند. به همین دلیل میصواهای بسیاری هستند که هدف آنها به یادآوری خروج از مصر است.

هارامبان در ادامه می‌نویسد: "از معجزات بزرگ و واضح، انسان به معجزات پنهان پی می‌برد که این اساس کل تورا می‌باشد و انسان قسمتی در تورا مشه ربنو ندارد تا وقتی که ایمان نداشته باشد که تمام اتفاقاتی که برای او می‌افتند، معجزه هستند و ارتباطی به طبیعت و روال عادی دنیا ندارند، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی. اگر فرد میصواها را انجام دهد، مزد این میصوا او را

در انجام هر میصوایی باید نیت بست و به وسیله این میصواها، ایمان خویش را به خد-اوند قوی نمود و به یاد آورد خد-اوند ما را از مصر بیرون آورده و در زمان خروج از مصر، معجزات بزرگی را برای ما انجام داده و به همه نشان داده او دنیا را آفریده و همواره به دنیا زندگی می‌بخشد، او زمین را تحت نظر دارد و بر همه چیز و هر اتفاق روی زمین تسلط دارد و به این ترتیب، ایمان به خد-اوند در نزد انسان زنده می‌شود.

حکم خد-اوند است و شاید به سبب گناهانش است که سر و صدا می‌کنند و او نمی‌تواند استراحت نماید. به همین صورت در هر مورد باید به دنبال علت اصلی و نه اتفاق فرعی بود. به این منظور که همه چیز و در هر زمان بر طبق خواست خد-اوند اتفاق می‌افتند. در واقع، هدف از میصوایی که از صبح تا شب انجام می‌دهیم همین است، قرائت شمع یسرائل، مزوزا، تغیلین، صیصیت، قیدوش و غیره.

معنویت نیز یک نوع ورزش است

جماعت از درآشای او خوششان آمد و خوشحال شدند. پس از تفیلائی عرویت، یکی از ثروتمندان جمع به نزد هاراو آمد و گفت:

”جناب راو، من ورزش خیلی دوست دارم و در رشته‌های زیادی از ورزش سررشته دارم، ولی تا به حال نشنیده بودم یک ورزشکار در سن سه ماهگی به رودخانه بیافتد و نجات پیدا کند و در سن هشتاد سالگی این همه قدرت داشته باشد که بتواند معجزه نماید. حال اگر تو در یثیوای خود چنین ورزشکارانی تربیت می‌کنی و یا حداقل به آنها یاد می‌دهی به مانند مشه ربنو باشند، پس من مبلغ زیادی را برای کمک به این شاگردان می‌دهم.”

باید دانست معنویت نیز یک نوع ورزش است و هم چنان که بدون ورزش نمی‌توان توقع داشت بدن و ماهیچه‌های ما ورزیده باشند، پس بدون تمرین و پشتکار نیز نباید انتظار داشت در معنویت و عبادت خد-اوند پیشرفتی حاصل شود. هرچقدر انسان بیشتر تمرین کند و بیشتر پشتکار داشته باشد، در عبادت خد-اوند قوی‌تر خواهد بود.

در این پاراشا می‌خوانیم مشه و اهرون معجزات و ضربات مصر را به پایان می‌برند و قوم یسرائل را از مصر خارج می‌نمایند. یک بار هاراو از پونویج برای جمع‌آوری پول برای یثیوا به آمریکا رفت. در یکی از شب‌ها، در نزد جماعتی میهمان شد که زیاد از توره و هلاخا سر در نمی‌آوردند. هاراو از پونویج با خود فکر نمود چه درآشایی می‌تواند بگوید، این جماعت از هلاخا و گمارا سر در نمی‌آورند و کسل می‌شوند. به همین سبب شروع کرد در مورد پاراشای هفته صحبت نماید و فرمود: ”ما در پاراشای این هفته در مورد معجزاتی که خد-اوند به دست مشه ربنو در مصر انجام داد، می‌خوانیم. میدراش تعریف می‌کند وقتی مشه ربنو به دنیا آمد، خانه پر از نور شد و توره تعریف می‌کند مادر مشه ربنو مجبور شد در سن سه ماهگی او را به رود نیل اندازد و مشه ربنو این همه معجزه را در سن هشتاد سالگی انجام داد...”

به همین صورت هاراو از پونویج جملات توره را می‌خواند و با آوردن میدراش، پاراشای هفته را برای جماعت توضیح می‌داد. همه

سیستم کنترل

احساسات از قلب او خارج شده بود و با وجود اینکه از ضربات، رنج بسیار برده بود، نمی‌توانست اقرار نماید که پروردگار راست می‌گوید. در این رابطه **הרב שלמה וולבה זצ"ל** توضیح می‌دهد: هر انسانی نسبت به وضعیت روحانی خویش، در وضعیتی قرار دارد که برخی از گناهان برای او به مانند آزمایش نمی‌باشند و برای آن شخص واضح و مبرهن است، مرتکب چنین خطاهایی نخواهد شد. همچنین میصوایی هستند که آن شخص با از خود گذشتگی انجام داده و آن میصواها را رها نمی‌نماید تا وقتی که به صورت کامل آنها را انجام دهد. برخی از میصواها هستند که انسان احساس می‌کند اینگونه میصواها مخصوص او نبوده و اصلاً تلاشی برای انجام آنها نمی‌کند و دسته‌ای از گناهان هستند که به علت اینکه انسان به صورت روزمره مرتکب چنین خطاهایی می‌شود اصلاً هیچ عذاب وجدانی نسبت به انجام این گناهان نمی‌کند، با وجود اینکه می‌داند چنین عمل و رفتاری گناه و خطا محسوب می‌شود.

در این پاراشا در مورد سه ضربه از ده ضربه‌ای که پروردگار بر مصریان وارد آورد، توضیح داده شده است. این آخرین مراحل بود و دیگر لازم نبود فرعون قلب خویش را سخت کند، زیرا پروردگار قلب او را سخت می‌کرد تا با فرستادن قوم یهود موافقت نکند تا پروردگار معجزات خود را در سرزمین مصر نشان دهد و به این صورت ایمان قوم یهود به پروردگار راسخ‌تر شود.

فرعون می‌توانست در پنج ضربه اول قلب خود را سخت نکند و قوم یهود را روانه نماید. ولی فرعون سرسختی نشان داد و قلب خود را سخت نمود. فرعون با وجودی که می‌دانست حق با او نیست، قلب خود را سخت کرد تا به همه نشان دهد، حق با او است و او راست می‌گوید. فرعون با این رفتار خود به وضعیتی رسید که دیگر لازم نبود قلب خود را سخت نماید زیرا قلب او بکلی سخت شده بود، منظور اینکه تمام

خود را در این مورد قوی کند که دیگر مرتکب چنین خطایی نشود، و در روز دوم نیز مرتکب همان خطا شد، از این پس احساسات او ضعیف می‌شوند و هر بار که مرتکب آن گناه شود، احساسات او ضعیفتر می‌شوند و کمتر احساس می‌کند مرتکب گناهی شده است.

در هر کارخانه و کارگاهی که با دستگاه و ماشینهای مختلف کار می‌کند، سیستم بازدید و کنترل وجود دارد که در صورت بروز هر مشکلی برای یکی از دستگاهها، چراغ قرمز را روشن می‌نماید. هدف از روشن شدن این چراغ این است که مسئول کارگاه مشکل را پیدا کرده و آن را اصلاح نماید تا نقصی به دستگاه وارد نشود و محصولات و تولیدات بدون ایراد باشند. اگر مسئولان فوراً مشکل را پیگیری کرده و نقص را برطرف نمایند، از وارد آمدن ضرر بزرگی به دستگاهها جلوگیری کرده‌اند و محصول آنها نیز بدون ایراد می‌باشد. ولی اگر از روشن شدن چراغهای قرمز چشم‌پوشی کنند یا اینکه سیستم کنترل را قطع کنند، نه تنها مشکل را برطرف نکرده‌اند، بلکه از نقص و ایرادهای آتی نیز بی‌خبر می‌مانند.

همچنین هر شخص یهودی زمانی که مرتکب گناهی می‌شود، دستگاه کنترل وی به او گوشزد می‌کند مرتکب خطایی شده است، و اگر میسواهی را انجام ندهد احساس می‌کند موردی از روحانیت او ناقص می‌باشد. حال اگر این شخص این احساس را در نزد خود قوی کند، سعی می‌نماید دیگر مرتکب چنین گناهی نشود. همچنین در مورد این گناه، کتب پند و اندرز مطالعه می‌نماید و هلاخاهای این مورد را می‌آموزد، و دیگر این مورد برای وی یک امتحان نمی‌باشد. ولی اگر این شخص از احساسات خود چشم‌پوشی کند، باعث می‌شود احساسات خود را نسبت به میسواها از دست بدهد و آتش یهودیت که در قلب او روشن است نیز ضعیف می‌شود.

حال هر چه انسان قلب خود را قوی‌تر کند و کمبود عبادت پروردگار را بیشتر احساس نماید، آتش قلب او فروزانتر شده تا اینکه در این مورد دیگر امتحانی نخواهد داشت.

باشد رضایت پروردگار که در عبادت او تکامل داشته باشیم و به زودی،
مزکی به نجات کامل شویم.

در این صورت برای هر انسان یک خط متوسط وجود دارد که نسبت به این خط، به طور روزمره امتحان شده و نسبت به این خط با غریزه خویش می‌جنگد، گاهی بر غریزه خود پیروز شده و زمانی در برابر غریزه خود شکست می‌خورد. مسؤولیت انسان این است که احساسات خود را قوی نماید تا خط متوسط خود را به سمت دیگر پیشرفت دهد.

با آوردن مثالی می‌توان این مورد را بهتر توضیح داد:

در بین بیشتر افرادی که از توره و میسواهای آن پیروی می‌کنند، نهادن تفیلین و نگهداری از شبات آزمایش حساب نمی‌شود، حتی این دسته حاضر هستند تا جان خود را فدا کنند برای اینکه بتوانند این میسواها را انجام دهند. ولی از سوی دیگر، در اوقات فراغت یا بیکاری خود، مرتکب گناه نیاموختن توره می‌شوند یا اینکه در کنیسا مشغول صحبت می‌شوند که در نظر آنها گناه محسوب نمی‌شود و هیچ امتحانی را در این مورد احساس نمی‌کنند، با وجودی که این دو گناه بسیار سنگین می‌باشند. اما در خط وسط، هنگامی در مورد کسی بدگویی می‌شود، برای شخص این آزمایش پیش می‌آید که آیا بدگویی کند یا ساکت بماند، یا اینکه تفیلای **שמע ישראל** و **ברכת המזון** را به صورت شمرده و با صدای بلند بخواند. در این موارد احساس آزمایش می‌کند که گاهی اوقات بر غریزه پیروز شده و گاهی اوقات شکست می‌خورد.

هدف انسان باید این باشد که با آموزش کتب پند و اندرز و هلاخاهای مربوطه به مواردی که در آنها شکست می‌خورد، خط وسط خود را به طرف دوم پیشرفت دهد، به صورتی که میسواهایی که انجام آنها برای وی حالت آزمایش ندارند بیشتر باشند و میسواهایی که در آنها شکست می‌خورد، کمتر باشند.

هرگاه انسان بخواهد مرتکب خطایی شود، احساس درونی سعی می‌کند او را از این امر باز دارد، اگر انسان این احساس را نادیده بگیرد، قلب خود را سخت کرده تا جایی که چنین خطایی در نظر وی گناه محسوب نمی‌شود. در این مورد **בבב הונא** در گمارا می‌فرماید:

اگر انسان چند بار مرتکب خطایی شود، دیگر این مورد در نظر وی گناه محسوب نمی‌شود. اگر روزی انسان مرتکب خطایی شود ولی سعی نکرد

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد:

* **یرهوشالییم:** بازار مخنه یهودا، فیابان אפרסק، فروشگاه آقای یوسف کهن تلفن ۵۸۵۸۳۶۹۵۵

* **یرهوشالییم:** گئولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی * **فولون:** بیت הכנסת צעירי איראן، بیت הכנסת מגן דוד

* **کفرسابا:** آقای موטי کهن تلفن ۵۲۳۵۶۱۵۲۹ * **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۵۲-۸۶۸۶۸۸۶

* **پیتار:** فانهاده آقای نورانی تلفن ۵۱۴-۸۴۲۸۹۳۶

* امکان دریافت این نشریه از تارنمای <http://www.ladaat.info/gilyonot.aspx?view=1> وجود دارد.